

ضرورت آموزش کتابداری

«بنویسید، که شما آموخته‌هایتان را نمی‌توانید حفظ کنید و نگاه دارید، مگر اینکه بنویسید»، «یادداشت برداری کن و مطالب را بنویس و علمت را بین برادران دینی ات پخش کن».^{۱۱}

اهمیت کتابخانه‌ها در تمدن اسلامی

اهمیت ویژه‌ای که دین اسلام و بزرگان آن برای جمع‌آوری احادیث و تعلیمات امامان قائل می‌شدند موجب شد که هر کس که می‌تواند به تألیف پردازد. محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید می‌نویسد که تنها در فاصله کوتاه بین حیات امام اول و امام یازدهم ۴۰۰ جلد کتاب توسط علمای امامیه تألیف گردید که آنها را کتب اصول می‌خوانند.^{۱۲} برخی نوشته‌های کندی، فیلسوف قرن سوم، را بالغ بر ۲۶۵ جلد کتاب می‌دانند.^{۱۳} فیلسوف بزرگ قرن پنجم، ابوعلی سینا، ۴۵۶ اثر از خود بجای می‌گذارد.^{۱۴} شماره تألیفات شهید ثانی را ۷۰ جلد ذکر کرده‌اند که ۴۶ مجلد آن شناخته شده است.^{۱۵} آثار باقیه و کتابهای علامه مجلسی متجاوز از ۹۰ جلد است.^{۱۶} علاقه به تألیف و تصنیف و ترجمه در ایران اسلامی را با نگاهی به آمار کتب دستنویس موجود در کتابخانه‌هایی که اطلاعات مختصری درباره آنها در دست است می‌توان دریافت. کتابخانه حبشی بن معزالدوله بن بویه ۱۵ هزار جلد کتاب داشته است.^{۱۷} در کتابخانه صاحب بن عباد ۱۱۷ هزار جلد کتاب گردآوری شده بود.^{۱۸} کتابخانه توراتشاهی کرمان ۵۰ هزار جلد کتاب داشت.^{۱۹} شماره کتابهای کتابخانه رصدخانه مراغه را ۴۰۰ هزار جلد ذکر کرده‌اند.^{۲۰} اهمیت و ارزش کتاب و کتابخانه را از طریق بررسی توان علمی، هنری، و اجتماعی اشخاصی که بعنوان کتابدار در آنها خدمت می‌کردند نیز می‌توان دریافت. ابن بواب، خوشنویس برجسته قرن چهارم، کتابدار کتابخانه بهاءالدوله دیلمی بود.^{۲۱} فیلسوف شهیر قرن چهارم ابوعلی ابن مسکویه کتابخانه ابن عمید

تمدن بزرگ جهانی وابسته به کتاب است. در جامعه‌ای چون ایران که وارث تمدن و فرهنگی غنی است کتاب، کتابخانه و کتابداری واژه‌های ناشناخته‌ای نیست. اولین تمدن بزرگ جهانی که ایران میراث‌دار آن است تمدن ایران قبل از اسلام است که متأسفانه آثار مدونی از آن زمان بر جای نمانده، گرچه به گواهی نوشته‌های محققان اسلامی، رده‌های بالای اجتماعی قبل از اسلام با کتاب و کتابخانه مانوس و به گردآوری کتابها و ایجاد کتابخانه علاقمند بوده‌اند. ابن الندیم مؤلف قرن چهارم هجری می‌نویسد: «پس از اینکه اسکندر بر فارس و کاخ داریوش دست یافت گنجینه‌های دانش آن را که به زبان پهلوی بر سنگها و لوحها از دانشهای مختلف طبیعی و پزشکی و هیأت نوشته بود فرمان داد تا به زبانهای قبطی و یونانی برگردانند و آنها را به مصر فرستاد تا در کتابخانه اسکندر نگاهداری شود».^{۲۲} همین مؤلف در جای دیگر می‌نویسد: «آنگاه که اردشیر بابک استیلا و غلبه یافت کتابهایی که در ایران باستان مانده و پراکنده شده بودند از هندوچین گردآورد و در گنجینه‌ای آنها را نگاهداری می‌کرد. پسرش شاپور اول کار او را دنبال کرد و آنچه از زبانهای دیگر به فارسی برگردانده شده و بصورت کتاب در آمده بود همه را فراهم آورد».^{۲۳}

دومین تمدن بزرگ جهانی ایران، تمدن اسلام است. پس از پیروزی سپاه اسلام بر سپاه ایران، ایرانی به‌آئینی گروید که اولین پیامش «بخوان» و نام کتابش قرآن (آنچه خوانده می‌شود) بود. در این دین بزرگترین ستایش خداوند شامل کسی می‌شود که توسط قلم آموزش می‌دهد^{۲۴} و خداوند به قلم و نوشته سوگند می‌خورد.^{۲۵} این دین پیامبری دارد که می‌فرماید «دانش را به بند کشید (بنویسید) و نگهدارید»^{۲۶}، «یادگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است»^{۲۷}، «دانش برای آدمی زیور در برابر دوستان و سلاح در برابر دشمنان است»^{۲۸}، «در روز ستاخیز، نگاشته‌های علما با خون شهیدان سنجیده می‌شود»^{۲۹} و نیز امام ششم شیعیان (ع) می‌فرماید:

بعد از انقلاب

محمد حسین دیانی

کتابخانه برای همگان میسر نبوده است. اما دسترسی به همه کتابخانه‌های ایران اسلامی بدین نحو نبوده است. کتابخانه‌هایی چون کتابخانه رشید و طواط، کتابخانه صابونی نیشابور، کتابخانه شرف‌الملک، کتابخانه عمیدیه، و کتابخانه صاحب بن عباد در ری وقف عام بودند و امانت گرفتن کتاب از آنها کار ساده‌ای بود. یاقوت حموی می‌نویسد: «در مرده کتابخانه وجود داشت که مانند آنها از لحاظ داشتن تعداد کتاب و نفاست و ارزش در جهان ندیده‌ام. من همه وقت در خانه‌ام در حدود دویست جلد از کتابهای این کتابخانه‌ها را در امانت داشتم و بیشتر کتابهایی که برای مطالعه می‌خواستم بدون سپردن وجه الضمان و یا دادن گروی در اختیارم می‌گذاشتند... از کتابهای این کتابخانه‌ها استفاده‌های بسیار برده‌ام و باید بگویم بیشتر اطلاعات و دانستی‌هایی که در کتاب معجم البلدان و دیگر تألیفاتم آورده‌ام از پرتو مطالعه و استنساخ کتابهای این کتابخانه‌ها بوده است.»^{۲۸} خدمت بعضی از کتابخانه‌ها محدود به امانت دادن کتابها نمی‌شد بلکه پاره‌ای خود در رساندن کلام مکتوب پیش قدم می‌شدند. بعنوان مثال، خواجه رشیدالدین فضل‌الله تمام آثارش را به دو زبان عربی و فارسی نوشته بود و صدها نسخه از آنها استنساخ کرد و به همه شهرهای ایران فرستاد تا در کتابخانه‌ها و مدارس و مساجد محفوظ ماند و مورد استفاده قرار گیرد.^{۲۹}

به همراه نکاتی که در بالا ذکر کردیم ناچار از ذکر يك واقعیت تاریخی درباره کتاب و کتابخانه‌های دوران اسلامی نیز هستیم و آن این است که کتاب و کتابخانه در انحصار خواص بوده است. نگرشی سریع به تعداد ۶۲۴ کتابخانه که از آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره قاجاریه نام و نشانی از آنها در دست است مشخص می‌کند که بیشتر کتابها و کتابخانه‌ها به پادشاهان، وزراء و صاحبان مناصب اختصاص داشته است. از این گروه که بگذریم سایر کتابخانه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: کتابخانه

را اداره می‌کرد.^{۳۰} مسعود سعد سلمان، شاعر قرن پنجم، کتابدار کتابخانه مسعود ابراهیم غزنوی در غزنه بود.^{۳۱} کتابداری کتابخانه «سیدنا» متعلق به حسن صباح را خواجه نصیر طوسی بر عهده داشت.^{۳۲} نایفه نقاش، کمال‌الدین بهزاد، کتابخانه میرزا بایقرا را اداره می‌کرد.^{۳۳} حاج محمد ذوفنون نقاش، خطاط و مذهب، کتابدار کتابخانه امیر علیشیر نوائی بود.^{۳۴}

در تمدن اسلام آراء و عقاید و فنون و علوم بر روی کاغذ نوشته نمی‌شد تا در محلی به نام کتابخانه به دست فراموشی سپرده شود. کتابداران و کتابخانه‌های اسلامی نه تنها حفاظت از کتاب و محتوای آن را بر عهده داشتند بلکه بفرموده امام هفتم (ع) خود را موظف می‌دیدند که علم و فرهنگ مکتوب را بین برادران دینی خود پخش کنند. ابتدایی‌ترین اقدام در راه اشاعه کلام موجود در کتابها به نظم در آوردن دانش مدون از طریق تهیه فهرستها بود. گزارشی شده است که برای کتابخانه صاحب بن عباد فهرست جامعی در ده مجلد تنظیم و تدوین گردیده بود.^{۳۵} در تاریخ آمده است که در کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز کتابها بر حسب موضوع و نام کتاب و مؤلف طبقه‌بندی و فهرست شده بود و هر دانشی در اطاقی جداگانه نگاهداری می‌شد.^{۳۶} مراجعان به کتابخانه با استفاده از فهرستهای کتابها به آنچه نیاز داشتند دسترسی می‌یافتند. ابن سینا درباره کتابخانه نوح بن منصور می‌نویسد که «در هر خانه‌ای صندوقهای کتاب بود که روی هم انباشته بودند - در يك خانه کتابهای تازی و شعر، و در دیگری فقه، و بدین گونه در هر خانه‌ای کتابهای دانشی؛ پس بر فهرست کتابهای اوایل نگریستم و هر چه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتابهایی یافتم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود.»^{۳۷}

اینکه ابن سینا از نوح بن منصور دستور می‌خواهد که به کتابخانه وی برود و آنچه از کتابهای پزشکی در آنجا هست مطالعه کند خود بیانگر این حقیقت است که استفاده از این

دانشمندانی که بضاعت مالی لازم را برای تهیه و نگهداری کتابها داشتند (بعضی از این دانشمندان در دستگاه خلفا و امرا مقامی داشتند و بعضی بنا به علاقه و یا نیاز علمی به گردآوری کتب و ایجاد کتابخانه اقدام کرده بودند) و دیگر کتابخانه‌های مدارس و مساجد، که به احتمال قوی اکثراً وقف عام بوده و دسترسی به آنها برای علاقمندان آسانتر از کتابخانه‌های دسته اول بوده است. یا در نظر گرفتن این ملاحظات و با آگاهی از اینکه در تعلیم و تربیت اسلامی کتاب ابزار تحصیل علم است و مسلماً بدین سبب بوده است که در مدرسه سیار اولجایتو صندوقهای کتاب را در اردو حمل می‌کردند^۱، دلیلی در دست نیست که کتاب و کتابخانه را در اختیار و در خدمت عموم بدانیم.

کتابداری سنتی در فرهنگ اسلامی

با نظر کوتاهی که به تاریخ کتاب و کتابداری انداختیم به دو نکته در مورد آموزش کتابداری می‌تران پی برد:

۱) در ایران اسلامی کتاب دوستی و کتاب نویسی، حفاظت از کتابها در محلی به نام کتابخانه، تهیه فهرست و نظم دادن به کتابها به منظور تسهیل در امر استفاده، اشاعه دانش مکتوب و توجه به کتاب بعنوان اساسی‌ترین ابزار تحصیل علم، سنتی است دیرپا این سنت حسنه موجب شده است که میراثهای فرهنگی نسلهای متوالی این مرز و بوم به هم پیوسته دانش مکتوبی در ۶۰۰/۰۰۰ نسخه دستنویس برای نسل امروز به ارمغان آوردند دانش مکتوبی که تصویر کاملی از دین، فرهنگ، تاریخ، هنر، روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم مردم این سرزمین به دست می‌دهد. به بیانی دیگر کتابخانه‌ها بعنوان رابطی بوده است در سلسله تبادل افکار غیر مستقیم (تبادل افکار از طریق آثار مکتوب) بین نسل حاضر و نسلهای گذشته و همین موجب شده است تاهویت دانش و اندیشه و تمدن این ملت همواره زنده و پر تحرک باقی بماند.

۲) مرور تاریخی فوق به ما آموخت که کتابخانه جایی است که مجموعه‌ای از کتب و سایر مواد بمنظور خاصی در آن گردآوری می‌شود؛ مجموعه گردآوری شده بر حسب روش خاصی فهرست نویسی و طبقه بندی می‌شود؛ منابع و مأخذ موجود در مجموعه بطور امانی به جویندگان دانش عرضه می‌شود.

اشخاصی که اجرای مسئولیتهای فوق را بر عهده دارند کتابدار نامیده می‌شوند. وظیفه يك کتابدار عبارت از این است که استفاده اجتماعی از دانش مدون را به حد اکثر برساند. وی برای انجام وظایف خویش باید به دانشهای خاصی مجهز باشد و در کار

خود مهارت کافی داشته باشد.

در دورانهای گذشته کتابدار دانشها و مهارتهای ویژه خود را تنها از طریق کار در کتابخانه به دست می‌آورد. علل این امر را می‌توان چنین بر شمرد: حجم کم مجموعه، کندی تولید کتاب، کندی نبض تولید اطلاعات، فقدان امکانات ارتباطی بین مناطق، بالا بودن درصد بیسوادی، ناچیز بودن تعداد مراجعین به کتابخانه، تأثیر ناچیز متون و اطلاعات بر زندگی روزمره بیشتر مردم، فقدان مجله، روزنامه، گزارش و... و از همه مهمتر مردمی نبودن کتابخانه‌ها. اهداف کتابخانه‌های سنتی بیشتر بر محور گردآوری و حفاظت دور می‌زد تا سازماندهی دانش و عرضه آن به عموم. در نوشته‌های مربوط به کتابخانه‌ها اشاراتی درباره نظم کتابخانه‌ها وجود دارد. اما از این اشارات هیچ مطلب مشخصی درباره اینکه چگونه این کتابها بنظم در می‌آمده است به دست نمی‌آید. عقل سلیم حکم می‌کند که دسترسی به محتوای کتابها از طریق دانش و حافظه کتابدار میسر بوده است. کتابدار سنتی کلید در مجموعه کتابخانه بوده است. وی محتوای کتابها را می‌دانسته است ولی نه از دانش مربوط به نحوه شناخت نیازها، انگیزه‌ها و ویژگیهای فردی مراجعه کنندگان بگونه‌ای نظام یافته و علمی آگاهی داشته و نه بر دانش مربوط به روشهای برقراری ارتباط بین محتوای کتابها و خوانندگان از تسلط نظری و تجربی برخوردار بوده است. نظری به وضع نامطلوب کتابخانه‌هایی که هنوز بگونه‌ای سنتی اداره می‌شود بیانگر این واقعیت است که تنها از طریق مشخصات ظاهری چون اسم کتاب و احتمالاً مؤلف و آن هم پس از مدت زیادی معطلی می‌توان به کتاب مورد نظر دست یافت و نه از طریق برکه‌های موضوعی که کلید محتوای کتابها و اولین و اساسیترین قدم در راه تهیه ابزارهای تحقیق و تتبع است. دسترسی به محتوای کتابخانه‌های سنتی بدون وجود متخصص موضوعی با حافظه فوق العاده قوی غیر ممکن می‌نماید. بفرض که در بعضی از کتابخانه‌ها چنین افرادی وجود داشته باشند، در آن صورت استفاده از کتابخانه قائم به فرد می‌شود. این آن چیزی نیست که حل مشکل

اطلاع درستی در دست نیست تا مقایسه‌ای گویا انجام گیرد. با وجود این به راحتی می‌توان دریافت که سازمان دادن به سیل اطلاعات دینی، فلسفی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و علمی تولید شده در داخل و خارج که مرتباً رو به افزایش است جز از طریق روشهای علمی و ابزارهای صنعتی امکان پذیر نیست. کتابدار بعد از انقلاب موظف است که استفاده اجتماعی از دانش مدون را در جهت منافع انسانی به حداکثر برساند. این امر میسر نیست مگر اینکه بتوان در کمترین زمان هر کتاب یا مقاله یا سخنرانی را به خواننده‌اش و هر خواننده‌ای را به کتاب، مقاله و سخنرانی مناسبش راهنمایی کرد. به بیانی دیگر، کتابدار به عنوان رابطی بین انسان و فرهنگ مدون حال و گذشته بشر موظف است نه تنها مناسب‌ترین متن را به خواننده‌اش برساند بلکه خواننده را از وجود مناسب‌ترین متن نیز آگاه سازد.^{۲۱}

وظایف کتابداران در کتابخانه‌های کنونی و آموزش کتابداری

در جامعه‌ای که آموزش و پرورش و کتاب و کتابخانه از حالت اختصاصی خارج شده و جنبه اسلامی و مردمی بخود گرفته کتابدار موظف است که این کارها را انجام دهد:

الف. گردآوری، سازمان‌دهی، حفظ و اشاعه دانش مدون؛ ب. تسهیل در امر مطالعاتی که بر غنای فرهنگی و علمی فرد و اجتماع می‌افزاید؛

ج. ایجاد شرایطی که در آن کسب اطلاعات روزمره علمی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی در کوتاهترین مدت با کمترین هزینه و انرژی برای همه افراد میسر باشد؛

د. ایجاد شرایطی که در آن همه دانشهای لازم برای همه نوع تحقیقات جدید به طور منظم و به سهولت فراهم باشد.

انجام وظایف فوق دانشها و مهارتهای ویژه‌ای را می‌طلبد که فراگیری آنها به آموزش کلاسی نیازمند است. این دانشها و مهارتهای ویژه بر دو نوع است:

الف. دانشهای اساسی حرفه کتابداری:

- ۱ - دانش مربوط به نحوه شناخت و آگاهی از محتوای کتابها، مقالات و غیره؛
- ۲ - دانش مربوط به نحوه شناخت نیازها، انگیزه‌ها و ویژگیهای فردی مراجعان به کتابخانه؛
- ۳ - دانش مربوط به روشهای برقراری ارتباط بین محتوای کتابها

کند. با توجه به حجم انتشارات و سرعت تولید متون و نیاز فوری به اطلاعات علمی، سیاسی، اقتصادی و غیره تربیت چنین افرادی (کتابداران) به روشهای سنتی اگر نه غیر ممکن غیر منطقی و غیر عملی می‌نماید. لازم است استفاده از کتابخانه را از قائم به فرد بودن یا خصوصی بودن در آوریم و آن را علمی و در نتیجه همگانی کنیم.

تولید فراوان کتاب و مشکلات کتابداری سنتی

در قرنی که هشتاد درصد از کل دانشمندان تاریخ را به خود اختصاص داده؛ و در هر ساعت ۵۰ عنوان کتاب به چاپ می‌رسد و ۱۰۰۰/۰۰۰ از کتبی که در سال چاپ می‌شود کتب علمی بمعنی خاص آن است؛^{۲۲} در قرنی که هر سال متجاوز از ۴۰۰۰/۰۰۰ مقاله نوشته می‌شود؛^{۲۳} در قرنی که در محدوده ایران در سال ۱۳۵۷ تعداد ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نسخه کتاب به چاپ می‌رسد و در سه سال بعد از انقلاب میلیونها مقاله و سخنرانی با اهمیت انتشار یافته است. نمی‌توان از طریق روشهای سنتی و یادگیری حین کار، بر حجم عظیم اطلاعات تسلط یافت. در زمانهایی که تولید کتاب دستی بود، تعداد کمی کتابخانه وجود داشت، قشر بسیار کوچکی از جامعه با سواد و کتابخوان بود و تجزیه و تحلیل به موقع و بهره‌وری سریع از اطلاعات هسته اصلی قدرت علمی، سیاسی و اقتصادی را تشکیل نمی‌داد. احتمالاً می‌شد دانشها و مهارتهای لازم آن کتابخانه‌ها را از طریق آموزش حین کار آموخت و در خدمت معدود کتابخانه‌هایی که وجود داشت در آورد.

مقایسه کمی تعداد کتابخانه‌ها در طول تاریخ به روشن شدن مطلب کمک می‌کند. از ابتدای اسلام تا ۵۰ سال پیش ۶۲۴ کتابخانه در ایران تأسیس شده بوده،^{۲۴} در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ تعداد ۱۹۰ کتابخانه در ایران تأسیس شد.^{۲۵} اما بنا به گزارش در دو سال گذشته تنها جهاد سازندگی بیش از ۱۲۶۰۰ کتابخانه ایجاد کرده است.^{۲۶} متأسفانه از تعداد عناوین کتابهای خطی فارسی، کتابهای چاپی قبل از انقلاب و کتابهای چاپی بعد از انقلاب

و خوانندگان که عبارت انداز:

- دانش مربوط به تهیه منابع و مواد کتابخانه و مجموعه سازی؛
- دانش مربوط به تهیه منابع و مآخذ مورد نیاز کتابخانه؛
- دانش مربوط به فهرست نویسی و طبقه بندی مجموعه کتابخانه ها؛
- دانش مربوط به سنجش و ارزیابی مجموعه سازی، سازماندهی و خدمات ارائه شده به مراجعان.

ب. دانشهای معین حرفه کتابداری:

- دانش مربوط به سازمان و اداره کتابخانه ها؛
- دانش مربوط به سازمانها، مؤسسات و گروههای اجتماعی دولتی و غیر دولتی که کتابخانه با آنها در ارتباط است؛
- دانش مربوط به محیط و شرایط فرهنگی عمومی و اختصاصی جامعه ای که کتابخانه در خدمت آن است؛
- دانش مربوط به مواد و سائلی که کتابداران در حرفه خود با آنها کار می کنند؛
- دانش مربوط به امور روزمره، امور اداری و امور حسابداری؛
- دانش مربوط به سازماندهی و هدایت نیروی انسانی در جهت اهداف کتابخانه.

دانشهای مورد نیاز کتابدار که در فوق ذکر شد آموزش کتابداری را بنیان و محتوی دروس آن را به شرح زیر جهت می دهد:

الف. تشریح و تبیین اصولی که کتابخانه ها بر مبنای آنها عمل می کنند. مشخص شدن این اصول بستگی کاملی به تکامل فلسفه کتابداری دارد. این فلسفه از پیوند سه جنبه اجتماعی، روانی و تاریخی تولید کتاب، ایجاد کتابخانه و بهره وری از کتاب و کتابخانه شکل می گیرد. جنبه های اجتماعی موضوعاتی چون عوامل اجتماعی مؤثر بر تولید کتاب و ایجاد کتابخانه، تأثیر کتابها، خواندن، مطالعه و تفکر بر تکامل انسانی و پیشرفتهای اجتماعی و علمی، جغرافیای کتاب، کتابخانه و مطالعه، چگونگی جریان تبادل افکار مستقیم و غیر مستقیم و اثر آن بر تولید کتاب و ایجاد کتابخانه و قوانین سیاسی - اجتماعی مؤثر بر تولید کتاب و ترویج کتابخانه را در بر می گیرد. جنبه های روانی به مطالعه روشهای متفاوت مطالعه، روشهای مختلف فراگیری، انگیزه های متفاوت و مؤثر بر مطالعه، قواعد حاکم بر بهره وری از اطلاعات و کتابها و کتابخانه می پردازد. جنبه های تاریخی: تاریخ کتاب، تاریخ چاپ، تاریخ کتابخانه و تاریخ مکتوب دانش آموزی را مورد بررسی قرار

می دهد.

ب. تشریح، نقد و انتقال دانش مربوط به روشهای برقراری ارتباط بین محتوی آثار مدون، افراد و جامعه که عبارت اند از روشهای انتخاب مواد مناسب و مجموعه سازی، روشهای تهیه مواد انتخاب شده برای کتابخانه، فهرست نویسی و طبقه بندی کتابها، مجلات و سایر مواد موجود در کتابخانه، روشهای تهیه و توزیع انواع کتابشناسیها، فهرستهای مقالات، چکیده ها، روشهای عرضه خدمات اطلاعاتی، مطالعاتی و تحقیقاتی به مراجعین و روشهای مدیریت و ارزیابی خدمات و مجموعه کتابخانه ها.

ج. توسعه فهم حرفه ای از طریق تشریح موضوعاتی چون: کتابداری در باره چه موضوعاتی بحث می کند و محتوی کتابداری چیست؟! کتابداری چه هدفهایی را دنبال می کند و مقصد نهایی کتابداری چیست؟! نظریه های کتابداری و روشهای تحقیق مناسب در کتابداری و ارتباط کتابداری با سایر رشته ها.

در تعیین محتوای سطوح آموزشی نیازهای اساسی کشور خود بهترین راهنماست. قبلاً گفته شد که کتاب ابزار تحصیل علم است، علم را یا از طریق آموزش رسمی و یا از طریق آموزش غیر رسمی می آموزیم. شواهد تاریخی به ما آموخته است که کتابخانه ها بعنوان قلب مدارس سنتی ایران ایفاء نقش می کرده اند. وقتی که به دنبال آموزش و پرورش مردمی هستیم بی جا نیست که متوقع باشیم همچون گذشته هر جا دبستان، دبیرستان و دانشکده ای هست کتابخانه ای نیز در خدمت معلمان و متعلمان آن باشد. چون واحدهای آموزشی هدفهای مشخصی را دنبال می کنند و جامعه مشخصی را در بر می گیرند کتابداران شاغل در کتابخانه های آنها نیز به دانشها و مهارتهای نسبتاً مشخصی نیازمند اند در مقابل آموزش رسمی آموزش غیر رسمی است که طیف بسیار وسیعی را در بر می گیرد. همه کسانی که در نظام آموزش رسمی نیستند در این طیف قرار می گیرند. در کشوری که بنا بر فرموده پیامبرش آموزش از گهواره شروع و تا گور ادامه دارد وظیفه دولت است که شرایط آموزش غیر رسمی را برای همه رده های سنی و علمی فراهم نماید. ضروری ترین اقدامی که در این مورد می تواند انجام گیرد تأسیس کتابخانه عمومی در شهر و روستاست. افتتاح بیش از ۱۲۶۰۰ کتابخانه عمومی در شهر و روستا توسط جهاد سازندگی بیانگر این امر است که خوشبختانه دولت به نقش کتابخانه عمومی در آموزش و پرورش غیر رسمی و نوسازی کشور توجه دارد. بر خلاف کتابدار کتابخانه آموزشی و دانشگاهی، کتابدار کتابخانه عمومی با افرادی در سنین معین و سطح علمی خاص

روبرو نیست و هدفهای کتابخانه‌اش همچون هدفهای کتابخانه‌های آموزشی محدود نیست. لذا دانشها و مهارتهای مورد نیاز کتابدار کتابخانه عمومی عیناً همان دانشها و مهارتهای کتابدار کتابخانه آموزشی نیست.

با توجه به نیازهای جامعه، طبیعی است که آموزش کتابداری در ایران هدفهای زیر را دنبال کند:

۱. تربیت کتابدار برای کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی شهر و روستا؛
 ۲. تربیت کتابدار نیمه حرفه‌ای برای انجام وظیفه در پستهای نیمه-حرفه‌ای کتابخانه‌های بزرگ عمومی، دانشکده‌ای و دانشگاهی؛
 ۳. تربیت کتابداران حرفه‌ای برای انجام وظیفه در پستهای مدیریت کتابخانه‌های بزرگ و پستهای اختصاصی حرفه‌ای مانند فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی، مجموعه‌سازی و مرجع؛
 ۴. تربیت و بازآموزی کتابداران شاغل.
 ۵. تربیت مدرسین کتابداری برای سطوح آموزشی سابق الذکر.
- چنانچه دانشها و مهارتهای مورد آموزش کتابداری را به سه گروه مهارتهای کار با اشیاء، مهارتهای کار با مردم، و مهارتهای کار با آراء و عقاید تقسیم کنیم، لازم است هر سه گروه مهارتها در سطح عالی، مهارتهای کار با اشیاء و آنها در سطح متوسط و مهارت در کار با اشیاء در پایین‌ترین سطح آموزش داده شود.

۱. رکن‌الدین همایونفرخ. تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی. تهران: سازمان کتابخانه‌های عمومی شهرداری تهران، ۱۳۳۲، ص ۶۶-۱۷.
- همایونفرخ بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های ابوالفضل بن نوبخت و ابن‌مشر بلخی و ابن‌الندیم نتیجه می‌گیرد که از دوران ساسانیها ۸۲ جلد کتاب راجع به امور مذهبی و ۹ جلد کتاب راجع به شکار و پند و غیره و ۷۰ جلد در فنون مختلف دیگر از زبان پهلوی به زبان عربی نقل و ترجمه شده است.
۲. رکن‌الدین همایونفرخ: پیشین، ص ۱۳-۱۴.
۳. رکن‌الدین همایونفرخ: پیشین، ص ۱۶.
۴. قرآن. ترجمه قرآن مجید یا تفسیر کشف الحقایق عن نکت الآیات والدقائق، میر محمد کریم نجل‌الحاج میر جعفر العلوی الحسینی الموسوی. ترجمه حاج عبدالمجید صادق نویری. تهران: اقبال و شرکا، ۱۳۲۸، ص ۹۹.
۵. قرآن: پیشین، ص ۱۲۳.
۶. محمد مهدی رکنی. اهمیت کتاب و کتابت در اسلام، تشریح سمینار کتاب و کتابداری، دوم تا چهارم خرداد ماه ۱۳۶۰، مشهد، دانشگاه مشهد ۱۳۶۰، ص ۹۲.
۷. م. م. شریف. منابع فرهنگ اسلامی، ترجمه خلیل خلیلیان. تهران: منابع فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۵.
۸. م. م. شریف. پیشین، ص ۲۵.
۹. م. م. شریف. پیشین، ص ۲۵.
۱۰. محمد مهدی رکنی. پیشین، ص ۹۲-۹۳.
۱۱. محمد مهدی رکنی. پیشین، ص ۹۲.
۱۲. م. م. شریف. پیشین، ص ۱۶۷.

۱۳. سعید نفیسی. زندگی و کار و اندیشه و روزگار پور سینا. تهران: کتابفروشی دانش، ۱۳۳۳، ص ۷۷-۹.

۱۴. محمد مهدی رکنی. پیشین، ص ۹۰.

۱۵. محمد باقر نجفی یزدی. خلاصه مطالبی از دین اسلام. [بی‌نا، بی‌تا]. ج ۴، ص ۱۶.

۱۶. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۲۸.

۱۷. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۳۰.

۱۸. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۳۹.

۱۹. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۵۱.

۲۰. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۲۷.

۲۱. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۲۹.

۲۲. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۳۳.

۲۳. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۴۶.

۲۴. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۶۵.

۲۵. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۶۹.

۲۶. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۳۱.

۲۷. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۲۷.

۲۸. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۳۲.

۲۹. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۲۲-۲۳.

۳۰. رکن‌الدین همایونفرخ. پیشین، ص ۵۴.

۳۱. کمسیون ملی یونسکو در ایران. ایرانشهر. تهران [بی‌تا]. ج ۱، ص ۷۳۰-۸۳۲.

۳۲. آشنایی با کتاب. تیر ماه ۱۳۵۳، ص ۱۱.

در این مجله آمده که بر اساس آماري که گزارشگر ما تهیه کرده است، مجموع تعداد کتابهای خطی قدیمی ایران در جهان حدود ۶۰۰۰۰۰ نسخه است که با توجه به رقم اسف انگیز ۲۰۰۰۰۰ نسخه موجود در ایران که در حال حاضر در چندین کتابخانه بزرگ و شخصی نگهداری می‌شود، دو سوم بقیه کتابها در کشورهای دیگر است. در کتاب و مطبوعات در ایران که توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۲ منتشر شده است آمده است که: «پاره‌ای تعداد عناوین کتب خطی را بالغ بر ۲۰۰۰۰ عنوان و تعداد نسخ آن را بالغ بر ۶۵۰۰۰۰ رقم می‌زنند. قدر مسلم اینکه این اطلاعات بیشتر بر پایه حتم و گمان قرار دارد تا بر اطلاع دقیق». ص ۱۷۰.

۳۳. ا. ای. میخائیلوف و آر. اس. گیلیاروسکی. «انتشارات علمی، منبع و وسیله اشاعه دانش». ترجمه پرویز مهاجر. نشریه فنی مرکز مدارک علمی. دوره دوم، شماره اول، ۱۳۵۲، ص ۲۱-۵۲.

۳۴. ا. ای. میخائیلوف و آر. اس. گیلیاروسکی. پیشین. دوره دوم، شماره ۲ و ۳، ص ۵۰.

۳۵. نورالله مرادی. «بررسی اجمالی نشر کتاب در سال ۱۳۵۷». نامه انجمن کتابداران ایران. دوره دوازدهم، شماره اول و دوم، ص ۲.

۳۶. رکن‌الدین همایونفرخ. کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران: تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل نگارش، ۱۳۴۷.

۳۷. رکن‌الدین همایونفرخ: پیشین، ص ۲۲۸.

۳۸. گزارش عملکرد جهاد سازندگی که به دیوارهای ادارات و مؤسسات نصب شده بود.

۳۹. دانگانانان.

40. Jesse H. Shera *The Foundations of Education for Librarianship* New York: Becker and Hayes, INC., 1973
41. Ibid. p. 206